

است که برای اختصار از نقل آن خودداری می‌نمائیم.

امام هشتم حضرت رسا (ع) فلسفه بیعت پیامبران را چنین بیان میفرماید: از آنجا که قوای فکری بشر قادر به درک مصالح و منافع و مضار نیست، و خداوند بالاتر از آن است که خود شیخما بر بشر تجلی نماید و با آنان سخن بگوید، از این جهت معصومی از بندگان خود را اعزام نمود تا اوامر و نواهی او را به بندگان برساند، و آنان را بر مصالح و مفاسد امور، آگاه سازد زیرا فکر بشر کوتاه تر از آنست که شخصاً بر این امور آگاه گردد (۱).

از مجموع این بیانات که از خاندان نبوت و وصیت نقل کردیم، روشن گردید که کوتاهی فکر بشر و نارسائی عقل و دانش او در مسائل الهی و اخلاقی و اجتماعی؛ سبب گردیده است که خداوند؛ سفیرانی را برای راهنمایی او اعزام دارد تا نقصان هدایت تکوینی او را که از غریزه و عقل سرچشمه میگیرد، با هدایت تشریحی پیامبران، تکمیل نماید.

«رضا یعنه اسفناک»

در ماه گذشته جامعه روحانیت یکی از خطبای ارزنده خود را از دست داد.

مرحوم حجة الاسلام آقای شیخ مرتضی انصاری قمی قدس سره

که سالها با بیان شیوای خود در راه ترویج و پیشبرد هدفهای دینی خدمت میکرد، پس از یک دوره نقاهت طولانی دیده از جهان فرو بست.

ما این مصیبت را به عموم مسلمانان تسلیت میگوئیم.

۱ - بحار الأنوار ج ۱۱ ص ۴۰ و متن قسمت اخیر حدیث چنین است: لم یکن به من رسول ینبئو بینهم یودی الیهم امره و نهیبه و ادبه و یقیهم علی ما یكون به احراز منافهم و دفع مضارهم اذ لم یکن فی خلقهم ما یعرفون به ما یحتاجون الیه.

مرتضی مطهری

اهل بیت و خلافت

عثمان:

ذکر عثمان در نهج البلاغه از دو خلیفه پیشین بیشتر آمده است، علت آن روشن است. عثمان در جریانی که تاریخ آن را فتنه بزرگ نامید و خود خویشاوندان نزدیک عثمان یعنی بنی امیه بیش از دیگران در آن دست داشتند کشته شد و مردم بلافاصله در وعلی (ع) را گرفتند و آنحضرت طوعاً او کرهاً بیعت آنها را پذیرفت و این کار طبعاً مسائلی را برای حضرتش در دوره خلافت بوجود آورد. از طرفی داعیه داران خلافت شخص او را متهم میکردند که در قتل عثمان دست داشته است و او ناچار بود از خود دفاع و موقف خویش را در حادثه قتل عثمان روشن سازد و از طرف دیگر گروه انقلابیون که علیه حکومت عثمان شوریده بودند و قدرتی عظیم بشمار میرفتند جزو یاران علی (ع) بودند و مخالفان علی از او میخواستند آنها را تسلیم کند تا بجرم قتل عثمان قصاص کنند و علی (ع) می‌بایست این مسئله را در سخنان خود طرح کند و تکلیف خود را بیان نماید.

بعلاوه، در زمان حیات عثمان آنگاه که انقلابیون عثمان را در محاصره قرار داده بودند و بر او فشار آورده بودند که یا تغییر روش بدهد یا استعفا کند؛ یگانه کسی که مورد اعتماد طرفین و سفیر فی‌مابین بود و نظریات هر یک از آنها را علاوه بر نظریات خود بطرف دیگر میگفت، علی بود. از همه اینها گذشته در دستگاه عثمان فساد زیادتری راه یافته بود و علی (ع) بر حسب وظیفه نمیتوانست

در زمان عثمان و یاد دورهٔ بعد از عثمان درباره آنها بحث کند و بسکوت برگزار نماید. اینها مجموعاً سبب شده که ذکر عثمان بیش از دیگران در کلمات علی (ع) نیاید.

در نهج البلاغه مجموعاً ۱۶ نوبت درباره عثمان بحث شده، بیشتر آنها درباره حادثه قتل عثمان است. در پنج مورد علی خود را از شرکت در قتل جداً تبرئه میکند و در یک مورد طلحه را که مسئله قتل عثمان را بهانه ای برای تحریک علیه علی (ع) قرار داده بود شریک در توطئه علیه عثمان معرفی میکند. در دو مورد معاویه را که قتل عثمان را دستاویز برای توطئه واخلال در حکومت انسانی و آسمانی علی قرار داده اشک تمساح میریخت و مردم بیچاره را تحت عنوان قصاص از کشتگان خلیفهٔ مظلوم بنفع آرمانهای دیرینه خود تهییج می کرد سخت مقصر می شمارد.

علی در نامه های خود به معاویه میگوید تو دیگر چه میگوئی؟ دست نامرئی تو تا مرقد درخون عثمان آلوده است باز دم از خون عثمان مینوی؟

این قسمت فوق العاده جالب است، علی پرده ازرایی بر میدارد که چشم تیز بین تاریخ کمتر توانسته است آنرا کشف کند و تنها در عصر جدید است که محققان بدستیاری و ذهنائی اصول روانشناسی و جامعه شناسی از زوایای تاریخ این نکته را بیرون آورده اند. اگر نه اکثر مردم دوره های پیشین باور نمیکردند که معاویه در قتل عثمان دست داشته باشد و با حداقل در دفاع از او کوتاهی کرده باشد.

معاویه و عثمان هر دو اموی بودند و پیوند قبیله ای داشتند امویان با خصوص چنان پیوند محکم بر اساس هدفهای حساب شده و روشهای مشخص شده داشتند که مورخین امروز پیوند آنها را از نوع پیوندهای حزبی در دنیای امروز میدانند.

یعنی تنها احساسات نژادی و قبیله ای آنها را به یکدیگر نمی پیوست، پیوند قبیله ای زمینه ای بود که آنها را گرد هم جمع کند و در راه هدفهای مادی متشکل و هماهنگ نماید معاویه شخصاً نیز از عثمان محبتها و حمایتها دیده بود و منظر به دوستی و حمایت او بود لذا کسی باور نمی کرد که معاویه با ملنا و به شکل نامرئی در این کار دست داشته باشد.

معاویه که تنها یک هدف داشت و هر وسیله ای را برای آن هدف مباح میدانست و در منطق او امثال او نه عواطف انسانی نشی دارد و نه اصول، آن روزی که تشخیص داد از مرده عثمان بهتر میتواند بهره برداری کند تا از زنده او و خون زمین ریخته عثمان بیشتر باو نیرو میدهد از خونی که در گهای عثمان حرکت کند برای قتل او زمینه چینی کرد و در لحظاتی که کاملاً قادر بود کمکهای مؤثری باو بدهد و جلو قتل او را بگیرد او را در چنگال حوادث تنها گذاشت.

کتابخانه های بزرگ اسلامی

عبدالرحیم عقیقی

(۲)

کتابخانه های اسپانیا

سرزمین اندلس، که در زیبایی مانند شام و در لطافت آب و هوای شهرهایش و در حاصلخیزی همانند مصر معرفی شده است در سال ۹۲۲ هـ بتصرف مسلمانان در آمد، و نخستین سرداری که بر سر زمین اروپا قدم گذاشت (طارق بن زیاد) و سپس «موسی بن نصیر» بود.

عبدالرحمن اموی که هنگام بحران سیاسی بنی امیه و بنی عباس به اندلس پناهنده شده بود خلافت اندلس را تشکیل داد و شهر بزرگ قرطبه و سیسیل مانند بنیاد و اسکندریه مرکز تمدن و فرهنگ اسلامی در برابر کشورهای غربی قرار گرفت مرکز تحولات و نقطه تماس جهان اروپا با تعالیم اسلامی گردید در تکاملهای علمی فرصت زیادی لازم است که فعالیتها و کاوشها به ثمر برسند و اندوخته های علمی بصورت کتاب درآید.

نخستین کتابخانه عمومی که در اندلس بوجود آمد بوسیله «حکم مستنصر» تأسیس شد در دوران خلافت او که از ۳۵۰ تا ۳۶۶ هـ ادامه داشت کتابهای فلسفی شرق به غرب منتقل شد و بدستور او ترجمه گردید و کتابهای فراوانی در زمینه علوم گوناگون گردآوری شد و کتابخانه ای بصورت یک گنجینه بزرگ علمی با چهارصد هزار جلد کتاب در قرطبه تأسیس یافت که تنها فهرست آنها بالغ بر چهل و چهار جلد کتاب بود.

اصولاً خلفای اندلس بعنوان رقابت با تشکیلات خلافتی بغداد و قاهره، نمایندگانی به کشورهای دوردست اعزام میکردند و از شام، حلب، و بین النهرین، مصر، فارس، خراسان، کتابها را با قیمت های سنگین میخریدند و به مرکز خلافت اندلس ارسال میداشتند و هزار دینار به (ابوالفرج اصفهانی که از تیره امویان بود) فرستاد تا کتاب «اغانی» را پیش از آنکه بدربار عباسیان ارسال دارد